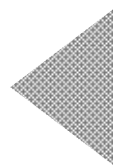


# بررسی تطبیقی آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه



ندا ابراهیمی مقدم<sup>۱</sup>

محمد خوش چهره<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۵/۴/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۵/۸/۲۰)

## چکیده

کیفیت آموزش و پرورش همواره از جمله دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزش و پرورش در اغلب کشورهای دنیا بوده است. نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی، رشد بهره‌وری، و نوآوری به طور روزافزونی مورد تأکید قرار گرفته و از این طریق، اختصاص یارانه یا سوبسید دولتی برای آموزش، مهارت‌آموزی و آموزش حین کار توجه می‌شود. در این پژوهش سعی داریم ضمن معرفی ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه، چالش‌های آموزشی عصر جدید را در این کشورها بررسی نماییم. همچنین با عنوان کردن آموزش و پرورش به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه انسانی، ویژگی‌های عمومی آموزش و پرورش در ایران و کشورهای منتخب را بررسی نموده و شاخص‌های اقتصادی در این کشورها را به صورت تطبیقی مقایسه نماییم. هدف اصلی از انجام چنین مطالعه‌ای این است که آموزش و پرورش به عنوان یک سرمایه‌گذاری ملی پربهره در بین دولتمردان و سیاست‌گذاران مطرح شود و به

۱- دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، Ebrahimi.mn@ut.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه تهران

آموزش و پرورش از آن جهت که باعث رواج بازار علم شده و با بارور ساختن اندوخته‌های علمی و فنی جامعه منجر به رشد اقتصادی می‌شود، توجه بیشتری شود.

**واژگان کلیدی:** سرمایه انسانی، آموزش و پرورش تطبیقی، کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه.

### مقدمه

سرمایه‌گذاری برای آموزش یک عامل کلیدی در فرآیند توسعه است که اهمیت آن در توجه فزاینده به آن از دهه ۱۹۶۰ به بعد منعکس است. از این دوره سرمایه‌گذاری در آموزش‌های رسمی و غیررسمی و تربیت نیروی انسانی سبب شد تا مهارت‌ها افزایش یابد و آگاهی و تحرک لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم شود. به طوری که از ۴۰ سال پیش بانک جهانی به کشورهای در حال توسعه وام آموزش می‌دهد. در طی این مدت بانک، تجربیات زیادی در زمینه تنظیم سیاست‌های آموزش و طرح پروژه‌های مستقل به دست آورده است. این تجربیات نه تنها اهمیت سرمایه‌گذاری را مورد تأکید قرار می‌دهد بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی‌های موجود در تنظیم سیاست‌های آموزش و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری است به گونه‌ای که بیشترین کمک را به کوشش‌های یک کشور برای توسعه بنماید (ساخاروپولوس و وودهاال، ۱۳۷۲).

کیفیت آموزش و پرورش همواره از جمله دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزش و پرورش در اغلب کشورهای دنیا بوده است. نظام‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف، در اثر تحولات جهانی در دو دهه گذشته با روندهایی روبرو شده‌اند که نه تنها فرآیند عملیاتی آنها را تحت تأثیر قرار داده، بلکه اهداف آنها را نیز متحول کرده است. از جمله این روندها می‌توان به دانش‌محور شدن اقتصاد و نیز فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد (بانک جهانی، ۲۰۰۲). از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup> (OECD) اقتصاد دانش‌محور اقتصادی است که بطور مستقیم براساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. در اقتصاد دانش‌محور، دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی رشته‌های فعالیت‌ها است.

## آموزش و پرورش هزینه است یا سرمایه‌گذاری؟

برای پاسخگویی به پرسش فوق، سه نظریه را که با عینک تردید به نقش بهره‌ورزایی سرمایه‌گذاری انسانی از قبیل آموزش می‌نگرند، بررسی می‌کنیم (جونز، ۱۳۷۶).

۱- نظریه علامت‌دهنده اسپنس<sup>۱</sup> (۱۹۷۳): آموزش به مثابه توانایی حرفه‌ای برای رقابت در بازار کار؛

براساس نظریه علامت‌دهندگی، افراد علامت‌هایی را در طول عمر انتخاب می‌کنند که تفاوت بین مزد پیشنهادی از سوی کارفرما و هزینه علامت‌دهندگی حداکثر شود. یکی از برجسته‌ترین این علامت‌ها، آموزش است. بنابراین، بر مبنای این نظریه، نقش آموزش صرفاً علامت دادن ویژگی‌های نهفته در افراد است و ظرفیت بهره‌وری و کارایی افراد را افزایش نمی‌دهد؛ این نکته یعنی رد نقشی که نظریه سرمایه‌گذاری انسانی برای آموزش عالی قائل است. از نظر جامعه، آموزش بر مبنای این نظریه، وسیله‌گزینش پر هزینه‌ای است که هیچگونه بازدهی اجتماعی ندارد و از این رو، دولت توجهی برای سرمایه‌گذاری در آموزش ندارد.

۲- نظریه سرند استیگلیتز<sup>۲</sup> (۱۹۷۲): آموزش به مثابه ابزار رتبه‌بندی منابع انسانی؛

نظریه سرند استیگلیتز بر این اساس است که سرمایه‌گذاری انسانی نظیر آموزش افراد توانمند را از ناتوان سرند می‌کند و هزینه این سرند را باید کسانی بپردازند که از پرداخت مشابه به توانمندان و ناتوانان زیان می‌برند. طبق این نظریه، آموزش به هیچ طریقی قابلیت‌ها، مهارت، و عملکرد اقتصادی افراد را افزایش نمی‌دهد بلکه به عنوان ابزار سرند کردن افراد به کار گرفته می‌شود؛ یعنی در هر جامعه‌ای لازم است که افراد متعدد در مناصب و مشاغل مختلف اشتغال پیدا کنند، زیرا این منصب‌ها به توانایی‌های متفاوتی نیاز دارند.

۳- نظریه فیلتر ارو<sup>۳</sup> (۱۹۷۳): آموزش به مثابه نشانگر تشخیص توانایی‌ها؛

نظریه فیلتر کنت ارو می‌گوید مدارک تحصیلی اصولاً در جایگاه معیار «توانمندی ذاتی» و نه «مهارت کسب شده» افراد ایفای نقش می‌کند و آموزش عالی به صورت فیلتر، افراد تحت تعلیم

۱ - Spence

۲ - Stiglitz

۳ - Arrow

خود را فقط رده‌بندی می‌کند نه آنکه توانایی‌های آنان را افزایش دهد یا حتی آنها را اجتماعی‌تر کند. افراد نیز می‌کوشند تا با اخذ مدارک بالاتر، توانمندی ذاتی خود را به متقاضیان توانایی‌های خویش نشان دهند. آموزش تنها به عنوان ابزار تشخیص توانایی‌ها و رده‌بندی افراد براساس توانایی‌های آنها در جامعه ایفای نقش می‌کند؛ بدین معنی که افراد دارای تحصیلات بیشتر از توانایی‌های ذاتی بیشتری برخوردارند و لذا برای منصب‌های بلند مرتبه‌تر و پیچیده‌تر مناسب نیز خواهند بود. بنابراین، آموزش ابزار نسبتاً کم‌هزینه‌ای است که متقاضیان نیروی کار برای گزینش نیروهای مورد نیازشان از آن بهره می‌گیرند.

در این نظریه‌ها، برای آموزش تا حدودی بازدهی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود؛ اما این سؤال اساسی را می‌توان مطرح کرد که اگر واقعاً نقش آموزش صرفاً گزینش افراد است «آیا وسیله ارزانتری نمی‌توان یافت که گزینش را انجام دهد و در عوض، منابعی که قرار است در آموزش مصرف شود به امور پر بازده‌تر اختصاص یابد.»

نکات قابل توجهی در نظریات فیلتر، سرنده و اسپنس وجود دارد که تکیه افراطی بر ایجاد ظرفیت تولیدی به وسیله سرمایه‌گذاری انسانی و آموزش را محل تردید قرار داده است؛ اما مطالعه‌های تجربی انجام شده نشان داده که این نظریات نیز خود دچار افراط شده‌اند.

### نظریه سرمایه انسانی

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷، سرمایه انسانی را ثروت مولد و مجسم در کار، مهارت و دانش معرفی کرد. شولتز (۱۹۶۱) سرمایه انسانی را به عنوان یکی از عوامل مهم برای رشد اقتصاد ملی در اقتصاد مدرن به رسمیت شناخت. سرمایه انسانی به عنوان دانش و مهارت‌های انباشته شده یک نیروی کار تعریف می‌شود. در حقیقت ویژگی‌های کیفی افراد سرمایه آنها هستند. سرمایه انسانی، نه سرمایه فیزیکی و نه سرمایه مالی محسوب می‌شود بلکه سرمایه انسانی به عنوان دانش، مهارت، خلاقیت و سلامت فرد تعریف شده است (بکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

بکر به این موضوع اشاره می‌کند که سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی همه به نحوی از اشکال سرمایه محسوب می‌شوند اما تفاوت آنها از این جا ناشی می‌شود که یک فرد را

نمی‌توان از مهارت، سلامت و ارزش‌هایش جدا کرد؛ در حالی که این امکان در مورد دارایی‌ها و اموال فرد وجود دارد. این بدان معناست که پایدارترین و تجدیدپذیرترین سرمایه همان سرمایه انسانی است.

### آموزش به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه انسانی

سرمایه انسانی یک شاخص ترکیبی از سه شاخص امید به زندگی، آموزش و درآمد است. بسیاری از تئوری‌ها افزایش ذخیره سرمایه انسانی را با آموزش پیوند می‌زنند؛ همچنین نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی، رشد بهره‌وری، و نوآوری به طور روزافزونی مورد تأکید قرار گرفته و از این طریق، اختصاص یارانه یا سوبسید دولتی برای آموزش، مهارت‌آموزی و آموزش حین کار توجیه می‌شود.

بانک جهانی آموزش را کلید ایجاد، تقلید و نشر دانش معرفی می‌کند (بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹) و آمارتیاسن<sup>۲</sup> (برنده جایزه نوبل، ۱۹۹۹) در کتاب توسعه به مثابه آزادی می‌نویسد: آموزش می‌تواند به ارزش تولیدات اقتصادی اضافه کرده و درآمد فرد تحصیلکرده را نیز افزایش دهد. اما حتی با درآمدهای برابر، فرد ممکن است با خواندن، برقراری ارتباط، بحث کردن، قادر شدن به انتخاب آگاهانه‌تر و با افزایش احترام نزد دیگران و از این قبیل، از آموزش خود منتفع گردد.

سیمون کونترس<sup>۳</sup> (برنده جایزه نوبل اقتصاد، ۱۹۷۱) معتقد است که ۹۰ درصد از توسعه گذشته در کشورهای صنعتی به دلیل افزایش سرمایه نبوده است، بلکه به سبب بهبود در زمینه‌های انسانی: مهارت، کاردانی، مدیریت و ... بوده است. ظرفیت‌های انسانی به عوض سرمایه، عامل نخست در فرایند توسعه اقتصادی بوده است. بدین‌سان، آموزش و پرورش باعث شکوفایی استعدادها و ارتقای کیفیت نیروی انسانی می‌گردد و افزایش کیفیت نیروی انسانی موجب افزایش بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی می‌شود.

۱ - World Development Report

۲ - Amartya Kumar Sen

۳ - Simon Kuznets

## آموزش و پرورش تطبیقی<sup>۱</sup>

تطبیق و مقایسه به عملی اطلاق می‌شود که در آن دو یا چند پدیده را در کنار هم قرار داده، به منظور یافتن وجوه اختلاف و تشابه، آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. اصطلاح «آموزش و پرورش تطبیقی» را نخستین بار مارک آنتوان ژولین در سال ۱۸۱۷ با انتشار طرح و نظرات اولیه اثری درباره آموزش و پرورش تطبیقی مطرح کرد. او برای جمع‌آوری اطلاعات از مدارس و آموزشگاه‌های ایتالیا، آلمان و سوئیس از پرسشنامه‌ای با ۱۴۶ سؤال استفاده کرده است. سؤالات این پرسشنامه در زمینه سن مدرسه رفتن و شیوه تربیت می‌باشد. او معتقد بود که ابتدا باید وسیله‌ای ابداع کرد که به کمک آن بتوان اطلاعات لازم را جمع‌آوری نمود.

موضوع «مقایسه» نیز تجزیه و تحلیل و توضیح شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو پدیده یا دو نهاد است. طبیعی است که تفاوت‌ها و شباهت‌ها باید با موضوعات مورد نظر مربوط بوده، در متن آنها قرار داده شوند. از این رو عیب اصطلاح «تعلیم و تربیت تطبیقی» این است که مقایسه را به رویدادهای آموزش محدود می‌کند، در حالیکه قلمرو آن با پیشرفت علوم دیگری مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی که به آموزش و پرورش تطبیقی می‌پردازند، وسیع‌تر شده است و دیگر هدف نه صرفاً مقایسه دو نظام آموزشی، بلکه روابطی است که این نظام‌ها با محیط ملی و جهانی خود دارند (لوتان کوی<sup>۲</sup>، ۱۳۷۵).

## سیر تطور تاریخی آموزش و پرورش تطبیقی

**دوره اول:** نقل مشاهدات و شرح خاطرات سیاحان، به عنوان نخستین مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی؛

ابتدایی‌ترین مطالعات در زمینه تعلیم و تربیت تطبیقی را می‌توان در آثار، سفرنامه‌ها و گزارش‌های سیاحان و جهانگردان ایام گذشته به دست آورد. انگیزه آنها صرفاً دستیابی به اطلاعات در زمینه تعلیم و تربیت جوامع نبوده بلکه مسافرت آنان جنبه سیاسی، مذهبی و تجاری داشته و به عنوان نمایندگان و سفراء، از طرف دولت متبوع خود حامل پیام‌هایی در جهت گسترش

۱ - Comparative Education

۲ - Le Than khoi

روابط دیپلماسی، تجاری و غیره با کشورهای مورد بازدید بوده‌اند؛ عده‌ای فقط به منظور ارضای حس کنجکاوی خود و عده‌ای که برای آشنایی با اوضاع و احوال و فرهنگ‌های متفاوت؛ در بین این گزارش‌ها اطلاعاتی جسته و گریخته در زمینه نوع تعلیم و تربیت به دست می‌آمد.

### **دوره دوم:** الگوگیری از آموزش و پرورش کشورهای دیگر؛

در این دوره مطالعات تطبیقی عمدتاً منحصر به انتشار آمار و اطلاعات کمی بوده است. دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت نقش اساسی و مؤثری در جمع‌آوری و انتشار اینگونه اطلاعات داشته است.

### **دوره سوم:** تحت تأثیر قرار گرفتن مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش از نهضت

انترناسیونالیست‌ها؛

(انترناسیونالیست‌ها در برابر ناسیونالیست یا ملی‌گرایی) - معتقدند که مردم جهان اعضای یک جامعه جهانی هستند). پس از پایان جنگ جهانی دوم بسیاری از دولتمردان به این نتیجه رسیدند که صلح جهانی بدون مهیا کردن آموزش و پرورش مناسب برای توده مردمی که گرفتار جهل و بیسوادی و بیماری و خرافه‌پرستی هستند و از نعمت تعلیم و تربیت محرومند، امکان‌پذیر نخواهد بود. انتشار کتب و مجلات و بولتن‌ها به عنوان راهنمای کار و تشریح جنبه‌های مثبت نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته در این دوره صورت گرفت. مطالعات تطبیقی این دوره عمدتاً منحصر به انتشار آمار و اطلاعات کمی بوده که به یاری آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده در سازمان‌های بین‌المللی از جمله دفتر بین‌الملل تعلیم و تربیت و یونسکو انجام گرفته است.

### **دوره چهارم:** توجه به نظام آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی؛

میشل سدلر با انتشار مقاله‌ای در سال ۱۹۰۰ تحت عنوان چگونه و به چه میزان می‌توان از تجارب علمی کشورهای دیگر در زمینه آموزش و پرورش بهره گرفت و با بیان آنکه نهاد تعلیم و تربیت به عنوان نهاد اجتماعی جز لاینفک جامعه است، نتیجه‌گیری کرد که برای بررسی آن باید این نهاد را در کنار دیگر نهادهای اجتماعی در نظر گرفت. در این دوره نظام آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی شناخته شد که نمی‌توان آن را به طور انتزاعی و دور از حوزه فرهنگی و اجتماعی شناخت (آقازاده، ۱۳۷۹).

### کشورهای توسعه‌یافته و توسعه نیافته

از واژه کشورهای توسعه‌یافته برای توصیف کشورهایی استفاده می‌شود که بر اساس معیارهایی به توسعه دست یافته‌اند. تعیین مصداق برای معیار به توسعه‌یافتگی همواره مورد بحث بوده است، اما به طور کلی معیارهای اقتصادی معمولاً شاخص اصلی کشورهای توسعه‌یافته بوده است. برای مثال، میزان سرانه درآمد یکی از مهمترین معیارها است، و بنابراین، کشورهایی که دارای نرخ تولید ناخالص داخلی بالایی هستند، توسعه‌یافته محسوب می‌شوند. معیار مهم اقتصادی دیگر، میزان صنعتی بودن کشور است. یکی دیگر از معیارهایی که اخیراً مورد توجه قرار گرفته، شاخص توسعه انسانی می‌باشد.

سازمان ملل از سال ۱۹۹۰ میلادی (مطابق با ۱۳۷۰ شمسی) براساس چند شاخص درآمد سرانه، بهداشت و آموزش کشورهای جهان را رتبه‌بندی می‌کند. این گزارش هر ساله توسط سایت گزارش توسعه انسانی<sup>۱</sup> منتشر می‌شود. به طور مثال کشور ژاپن سومین اقتصاد برتر دنیا است و ۹۹ درصد مردم این کشور باسواد و امید به زندگی (میانگین عمر در این کشور) ۸۳ سال است که رتبه اول جهان می‌باشد (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

کشور در حال توسعه یا کشور رو به رشد، کشوری است با استانداردهای نسبتاً پایین زندگی، پایه صنعتی توسعه نیافته، و شاخص پایین توسعه انسانی. مترادف دیگر اصطلاح کشورهای در حال توسعه عبارتست از کشور کمتر توسعه‌یافته یا کشور کمتر توسعه‌یافته از لحاظ اقتصادی (گیلیس<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۳۹۱). کاربرد اصطلاح کشور در حال توسعه برای تمام کشورهای کمتر توسعه‌یافته را می‌توان نامناسب دانست: تعدادی از کشورهای فقیر در حال بهبود اوضاع اقتصادی خود نیستند (همانطور که این اصطلاح ذکر می‌کند)، بلکه دوره‌های طولانی را از افول اقتصادی تجربه نموده‌اند. کشورهایی که دارای اقتصادهای پیشرفته‌تر در میان ملل در حال توسعه می‌باشند، اما هنوز بطور کامل نشانه‌های یک کشور توسعه‌یافته در آنها تثبیت نشده است، تحت اصطلاح کشور تازه صنعتی شده، کشور نو صنعتی یا کشورهای سرمایه‌داری دسته‌بندی می‌شوند.

۱ - Human Development Report

۲ - UNDP, HDR

۳ - Gilis



بر اساس دسته‌بندی سازمان‌های جهانی از نظر میزان توسعه‌یافتگی در یکی از ۳ گروه زیر قرار می‌گیرند:

- کشورهای توسعه یافته<sup>۱</sup> (صنعتی)؛
- کشورهای در حال توسعه<sup>۲</sup>؛
- کشورهای کمتر توسعه‌یافته (ملل زیر خط توسعه یا کشورهای توسعه نیافته<sup>۳</sup>).

### ویژگی‌های مشترک کشورهای در حال توسعه

۱. پایین بودن سطح زندگی؛
۲. پایین بودن سطح سواد؛
۳. پایین بودن سطح بهداشت عمومی و بالا بودن نرخ رشد جمعیت؛
۴. فقر عمومی و پایین بودن سطح درآمد سرانه؛
۵. غالب بودن بخش کشاورزی در این کشورها و صادرات مواد به شکل خام: در واقع اقتصاد اکثر کشورهای در حال توسعه، اقتصاد کشاورزی محسوب می‌شود؛
۶. بیکاری و کم کاری: دلیل عمده آن عدم استفاده کامل و صحیح از عوامل تولید به ویژه نیروی کار است؛
۷. موانع فرهنگی؛
۸. عدم ثبات سیاسی؛
۹. نابرابری و عدم عدالت اجتماعی؛
۱۰. استعمارزدگی؛
۱۱. کشاورزی سنتی؛
۱۲. پایین بودن سطح بهره‌وری نیروی کار و تکنولوژی ضعیف؛

---

۱ - Developed Countries

۲ - Developing Countries

۳ - LDCs: Least Developed Countries

۱۳. وابستگی و آسیب‌پذیری در روابط بین‌المللی: وابستگی به صادرات یک محصول، وابستگی به واردات کالاهای صنعتی، وابستگی به سرمایه‌های خارجی و ... (تودارو و اسمیت، ۲۰۰۹).

### ویژگی‌های آموزش و پرورش در کشورهای کمونیستی

در کشورهای کمونیستی با تأکید هر چه بیشتر بر تدوین جزئیات برنامه‌های آموزشی در سطوح بالای تصمیم‌گیری و عدم توجه به موقعیت‌ها، شرایط و نیازهای متفاوت در سطح جامعه بر شکاف میان "آنچه باید انجام گیرد" و "آنچه انجام می‌گیرد" دامن زده و به مرور دچار نوعی عدم توافق در اهداف سیستم آموزشی و خواست عمومی جامعه و دستاوردهای این سیستم گردیدند.

با توجه به تز غالب اقتصادی این دست جوامع، آموزش و پرورش ملی به عنوان تنها نوع یا نوع غالب آموزش ارائه و اداره می‌گردد؛ در اغلب موارد برنامه‌های درسی بصورت کاملاً یکسان و در خدمت ایدئولوژی سیاسی حاکم، برای تمامی مناطق کشور تدوین می‌شود، برنامه آموزشی نیز به صورت ملی و کاملاً یک دست طراحی و اجرا می‌گردد. در زمینه اجرای برنامه‌های مصوب نیز حداقل آزادی عمل حتی برای مسئولان دولتی محلی در نظر گرفته شده و هرگونه دست بردن در شیوه اجرا به عنوان تخطی از قوانین محسوب می‌شود.

تصمیمات و اقدامات این نظام‌ها به مرور زمان باعث دامن زدن به شکاف‌های طبقاتی، نارضایتی خانواده‌های بدون فرزند از تحمیل مالیات اضافی جهت تأمین هزینه‌های آموزشی، عدم توجه به نیازهای متفاوت اقشار و طیف‌های مختلف در برنامه‌های آموزشی، اعتراض به انحصار دولتی آموزش و پرورش، غلبه وجهه سیاسی بر سیستم آموزشی کشور، عدم انعطاف‌پذیری برنامه‌های مدون در برابر تغییراتی که ناگزیر حادث می‌شدند، افت کیفیت آموزشی در پی بی‌کفایتی مسئولان دولتی و عم پاسخگوئی در مقابل نظارت افراد و جامعه، اولویت بخشیدن به اهداف ایدئولوژیکی در مقابل منافع ملی و مواردی از این دست، همه و همه باعث استحاله و ناکارآمدی سیستم آموزش رسمی در این قبیل کشورها گردیده است. ویژگی‌های کلی نظام‌های

آموزش و پرورش در کشورهای سوسیالیستی به شرح زیر است:

- تدوین برنامه‌ریزی تا جزئی‌ترین مؤلفه‌ها و در بالاترین سطوح سلسله مراتب سیستم آموزشی و سیاسی؛
- ارائه و اداره آموزش و پرورش ملی به عنوان تنها نوع یا نوع غالب آموزش؛
- تدوین برنامه‌های درسی بصورت کاملاً یکسان و در خدمت ایدئولوژی سیاسی حاکم، برای تمامی مناطق کشور؛
- طراحی و اجرای برنامه آموزشی به صورت ملی و کاملاً یک دست؛
- حداقل آزادی عمل حتی برای مسئولان دولتی محلی در زمینه اجرای برنامه‌های مصوب؛
- هرگونه دست بردن در شیوه اجرا به عنوان تخطی از قوانین؛
- تأمین هزینه ساز و کارهای این سیستم آموزشی از منابع ملی و مالیات‌های عمومی؛
- تعلیم و تربیت بر سه عامل استوار است که عبارتند از: کار، طبیعت و جامعه (اپل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

### ویژگی‌های آموزش و پرورش در کشورهای سرمایه‌داری

در کشورهای سرمایه‌داری و لیبرالیستی و علی‌الخصوص آمریکا، برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به سمت تدوین امور بصورت کلی و قابل تفسیر در سطوح پائین‌تر تا سطح مدارس (تأکید بر فردگرایی) حرکت می‌نماید. با توجه به این مطلب که با افزایش کلیت برنامه‌ها از ارزش عملی آنها کاسته می‌شود و نیز با نزول سطوح تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی، ضمانت اجرایی و درجه علمیت آن کاهش می‌یابد، اغلب کشورهای غربی توانستند با لحاظ نمودن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی و نیازهای مختلف جامعه خود، به حالتی بینابین (تکثرگرایی) دست یابند.

بر طبق اصول اولیه جوامع خود یعنی لزوم پاسخگویی به خواست جامعه، تن دادن به نظارت نهادهای مردمی و در نهایت اولویت بخشیدن به منافع ملی در درجه اول توانستند سیستم آموزشی خود را منطبق بر تغییرات بصورت پویا اداره نمایند. مدارس مذهبی، مدارس خصوصی و

غیرانتفاعی از دستاوردهای این پویایی در سیستم آموزشی بودند. اما حتی در این جوامع با استدلال‌های درست یا نادرست، مدارس دولتی که از محل منابع ملی و مالیات‌های عمومی تأمین بودجه می‌شدند به کار خود ادامه می‌دادند؛ به نظر می‌رسد دولت‌ها حتی در آزادترین جوامع برای حفظ قدرت در دست جناح یا جریان سیاسی حاکم از قدرت آموزش و پرورش در شکل‌دهی به اذهان عمومی غافل نبوده و تا جایی که بتوانند از سیستم آموزشی به عنوان ابزار حفظ قدرت سود می‌جویند. ویژگی‌های کلی نظام‌های آموزش و پرورش در کشورهای سرمایه‌داری به شرح زیر است:

- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به سمت تدوین امور بصورت کلی و قابل تفسیر در سطوح پائین‌تر تا سطح مدارس (تأکید بر فردگرایی) حرکت می‌نمود؛
- انطباق سیستم آموزشی با تغییرات پویا با تکیه بر طبق اصول اولیه جوامع خود یعنی لزوم پاسخگویی به خواست جامعه، تن دادن به نظارت نهادهای مردمی و در نهایت اولویت بخشیدن به منافع ملی؛
- توجه خواست عامه مردم و نیز اقشار و اقلیت‌ها و سهم هر یک از آنها در آموزش افراد و ایجاد مدارسی با ساختارهای گوناگون و شیوه‌های اداره مختلف؛
- تأمین بودجه مدارس دولتی از محل منابع ملی و مالیات‌های عمومی (اپل، ۲۰۱۲).

### ویژگی‌های آموزش و پرورش در کشورهای با نظام اقتصادی مختلط<sup>۱</sup>

اقتصادی که در آن هم برنامه‌ریزی مرکزی و هم راهکارهای تولید و توزیع بازار وجود دارد، اقتصاد مختلط نامیده می‌شود. آدام اسمیت در کتابش به نام ثروت ملل وقتی صحبت از اقتصاد بخش خصوصی اهمیت بخش بازار و تأکید بر کارایی بخش بازار در تخصیص بهینه منابع می‌کند و آن را به عنوان پایه اصلی مکتبش معرفی می‌کند، فهرستی از استثنائات را ذکر می‌کند که می‌گوید واگذاری اینها به بازار بخش خصوصی قطعاً خطا است یکی از آنها و مهم‌ترین آنها بخش آموزش و پرورش است (حسینی، ۱۳۸۶).

در بسیاری از کشورهای دارای اقتصاد مختلط مانند سوئد و فرانسه و برخی از ایالات آمریکا

نهادهایی چون تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، دفاع ملی و بهداشت و درمان به صورت صد در صد تحت کنترل دولت هستند.

معمولاً در آموزش و پرورش کشورهای دارای اقتصاد مختلط مواردی چون تأسیس و نگهداری از کتابخانه‌ها، سرویس مدارس، چاپ و توزیع کتب درسی و ... به بخش خصوصی واگذار می‌شود اما مسائلی چون برنامه‌ریزی آموزشی و تدوین کتب درسی، شیوه‌های اجرا و ارزشیابی‌های عمومی به صورت متمرکز و توسط دولت صورت می‌گیرد.

### دلایل عمده دولتی بودن آموزش و پرورش در جهان

۱- **اثرات خارجی آموزش:** چون منافع اجتماعی آموزش بیشتر از منافع خصوصی آن است، دولت برای جلوگیری از کم‌سرمایه‌گذاری در آموزش، کنترل این حوزه را در دست خود می‌گیرد.

۲- **اصل برابری و تساوی فرصت‌ها:** چنانچه آموزش با شرایط رایج در بازار آزاد ارائه شود، تنها کسانی امکان ثبت نام را خواهند داشت که قادر به پرداخت شهریه باشند. در این صورت، علاوه بر کم‌سرمایه‌گذاری از نقطه نظر اجتماعی، نابرابری درآمدها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد.

۳- **اصل صرفه‌جویی‌های مقیاس<sup>۱</sup>:** طبق این اصل با افزایش حجم تولید، هزینه متوسط هر واحد کالا کاهش می‌یابد. بسیاری بر این باورند که این اصل در آموزش نیز صادق است و از این رو تأمین مالی و ارائه خدمات عمومی‌تر آموزش کارآیی بیشتری دارد (ساخاروپولوس و وودهاال<sup>۲</sup>، ۱۳۷۲).

### یونسکو و رسالت آموزش و پرورش کیفی در قلب توسعه

از سال ۱۹۴۵ که سازمان یونسکو آغاز به کار کرد، رسالتش، یاری رساندن به برقراری صلح، ریشه‌کنی فقر، توسعه پایدار و گفت و شنود میان- فرهنگی بوده است. در دستیابی به این

۱ - Economies of Scale

۲ - Psacharopoulos & Woodhall

هدف‌ها، پرداختن به آموزش و پرورش، یکی از کنش‌های اصلی یونسکو است. این سازمان به بیش همه جانبه و انسان‌باورانه آموزش و پرورش کیفی در سراسر جهان، و تحقق حق برخورداری همگان از آموزش و پرورش پایبند است و باور دارد که آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی نقشی بنیادین بازی می‌کند.

هدف‌های آموزشی یونسکو، ایجاب می‌کنند که از کامیابی برنامه "آموزش برای همه" پشتیبانی نماید؛ رهبری محلی و جهانی در آموزش و پرورش را تدارک بیند؛ نیرومندی و افزایش سامانه‌های آموزشی سراسر جهان، از روزهای نخست کودکی تا سال‌های بزرگسالی را پی گیرد؛ و پاسخ‌گویی به چالش‌های جهانی این روزگار از رهگذر آموزش و پرورش را دنبال نماید.

یونسکو تنها نماینده سازمان ملل متحد است که دستور دارد همه سویه‌های آموزش و پرورش را پوشش دهد. این سازمان اعلام می‌دارد که وظیفه‌اش توسعه آموزشی - از پیش دبستانی تا آموزش عالی - است از جمله آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت آموزی، آموزش غیررسمی و سوادآموزی.

این سازمان بر افزایش برابری آموزشی و دسترسی به آموزش، و بهبود کیفیت تمرکز می‌نماید، همچنین بر اطمینان از این که آموزش و پرورش شناخت و مهارت‌ها را در زمینه‌هایی همچون توسعه پایدار، HIV و ایدز، حقوق بشر و برابری جنسیتی گسترش می‌دهد. یونسکو با حکومت‌ها و گستره گسترده‌ای از همکاران، کار می‌کند تا با تغییر سیاست‌ها، سامانه‌های آموزشی را کارآمدتر سازند.

یونسکو، جنبش "آموزش و پرورش برای همه" را هماهنگ می‌سازد، روندهای آموزش و پرورش را پیگیری می‌نماید، و در برنامه جهانی توسعه، تصویر ضرورت‌های آموزشی را برجسته می‌کند (سایت یونسکو، آموزش در قرن ۲۱، ۲۰۱۵).

کار مطالعات تطبیقی در گذشته به علت عدم وجود اصطلاحات استاندارد شده با اشکالات فراوانی روبرو بود. در سال ۱۹۸۵ محققان آموزش و پرورش تطبیقی سازمان یونسکو به منظور اجتناب از هرگونه سردرگمی در مقایسه نظام‌های آموزشی و پرورش موافقت کردند که برای

۱ - Education for All (EFA)

۲ - [unesco.org/education-21st-century](http://unesco.org/education-21st-century)

هر یک از مفاهیم و اصطلاحاتی که در حیطه نظام آموزشی است، تعریف عملیاتی ارائه دهند و کار بررسی‌های تطبیقی را ممکن سازند. تعداد اصطلاحات استاندارد و تعریف شده روبه افزایش است و مجموعه این اصطلاحات هر ساله در کتابی معروف به نام سالنامه آماری آموزش و پرورش از طرف یونسکو منتشر می‌شود.

ایفای نقش به عنوان یک رهبر علمی و مرکز مبادله اطلاعات برای پیشبرد کشورها به سوی تحقق کشورها به سوی اهداف توسعه در سطح بین‌المللی یکی از فعالیت‌هایی است که یونسکو انجام می‌دهد. این نهاد اطلاعات را از تمام کشورها جمع‌آوری می‌کند و برای مطالعه در کشورهای دیگر توزیع می‌کند. بهترین تجارب آموزشی، امکان استفاده آن را برای تمام کشورها و پژوهشگران و اساتید و دانش‌آموزان فراهم می‌کند (سایت یونسکو، آموزش در قرن ۲۱، ۲۰۱۵).

### چالش‌های آموزشی سال ۲۰۱۵ سازمان یونسکو در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

"هر کودک نیازمند یک معلم است"<sup>۱</sup>. این شعار سال ۲۰۱۵ یونسکو برای تحقق اهداف آموزش برای همه است. منظور از این شعار این نیست که تعداد کودکان و معلمان برابر شود. دلیل انتخاب این شعار، اهمیت برخورداری همه انسان‌ها از آموزش با تأکید بر نقش اساسی معلمان در ارتقای کیفی آموزش است. کمبود معلم در برخی کشورهای فقیر و حاشیه‌ای دنیا و کمبود معلم آموزش دیده و حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه دو چالش عمده این سازمان است.

آموزش و پرورش کشورهای مختلف در زمینه نیروی انسانی با چالش‌های متفاوتی مواجه هستند. در کشورهای فقیر و پیرامونی، به دلیل کمبود اعتبارات آموزش و پرورش، معلم به اندازه کافی جذب نمی‌شود و آن تعداد از معلمانی که در مدارس به کار گرفته می‌شوند، دوره‌های تخصصی لازم را نگذرانده‌اند. در اغلب کشورهای فقیر و در حال توسعه، حقوق معلمان کم و انگیزه و تعهد شغلی و بهره‌وری آنها پایین است.

معلمان فقیر، آموزش ندیده و بی‌انگیزه، هرگز نمی‌توانند کیفیت آموزش را تضمین کنند. بر اساس یک درک غیرتخصصی، ضعیف‌ترین و کم‌سوادترین معلمان در دوره ابتدایی به کار

گرفته می‌شوند در حالی که مطابق اصول تعلیم و تربیت، باید از بهترین و آموزش دیده‌ترین معلمان در دبستان‌ها استفاده شود. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به دلایل فرهنگی، مردان و زنان در انتخاب شغل معلمی از فرصت‌های برابر برخوردار نیستند و به همین دلیل یونسکو خواستار ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در انتخاب شغل معلمی است. آنچه که یونسکو بر آن تأکید می‌کند، مجموعه‌ای از این موضوعات مرتبط با هم است.

موضوع مهم دیگر توان پاسخگویی معلمان به چالش‌های قرن بیست و یکمی است. نظام‌های آموزش و پرورش حتی در جهان توسعه‌یافته، دانش‌آموزان و دانشجویان را اغلب متناسب با نیازهای صنعتی و بازار کار تربیت می‌کنند. در حالی که وظیفه آموزش و پرورش تربیت انسان‌های خلاق و کارآفرین است که مهارت‌های زندگی در جامعه پیچیده امروز را آموخته باشد. آموزش هم در محتوا و هم در شکل دچار تحول شده است.

تکنولوژی‌های ارتباطی جدید دیوار بین آموزش‌های خانه و مدرسه را از میان برداشته‌اند و انحصار نظام آموزشی شکسته شده است. یادگیری با محوریت دانش‌آموز و دانشجو در کشورهای توسعه‌یافته، به تدریج جایگزین یاددهی با محوریت معلم و استاد می‌شود. حفاظت از محیط زیست، همزیستی با انسان‌های دیگر، دفاع از صلح، پابندی به رعایت حقوق بشر، طراحی سؤال، تفکر انتقادی و تعامل با دیگران از جمله نیازهای جدید جوامع انسانی است که به تدریج جای خود را در نظام‌های آموزشی باز می‌کنند. نظام‌های آموزشی، حتی در پیشرفته‌ترین جوامع خصلتی محافظه‌کارانه دارند و در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند. اما سرانجام جامعه، گرایش‌ها و نیازهای جدید را بر سیستم آموزش و پرورش تحمیل می‌کند. شکاف بین نیازهای دانش‌آموزان و میل نظام‌های آموزشی به ایستایی در برابر تغییر، یکی از چالش‌های آموزش و پرورش در همه جای دنیا است (سایت یونسکو، ۲۰۱۵).



## جدول (۱) - مقایسه ویژگی‌های آموزش عمومی در ایران و چند کشور منتخب

کره جنوبی	تورکیه	ژاپن	اتگلستان	آمریکا	ایران	تمرکز
متمرکز	متمرکز	غیرمتمرکز	غیرمتمرکز	غیرمتمرکز	متمرکز	نظام آموزشی
۳ سال کودکستان، ۶ سال ابتدایی، ۳ سال دوره میانه، ۳ سال دبیرستان	نظام آموزشی شامل آموزش رسمی و آموزش غیر رسمی. آموزش رسمی (مدرسه) شامل ۵ سال ابتدایی، ۳ سال متوسطه و ۳ سال متوسطه تکمیلی - آموزش غیررسمی موقیتهای شفاهی برای افرادی فراهم می‌کند که هیچ‌گاه آموزش رسمی نداشته‌اند	۶ سال دوران ابتدایی، ۳ سال راهنمایی و سه سال دبیرستان (ادغام ۶ سال دبستان یا ۳ سال متوسطه از سال ۲۰۰۵) (اویت، ۱۳۸۸)	۶ سال ابتدایی، ۵ سال متوسطه (بعد از دوره ابتدایی دانش‌آموزان می‌توانند در مدارس کلاسیک، مدارس جدید، مدارس جامع، مدارس فنی مشغول به تحصیل شوند و بعد از آن وارد دوره سوم متوسطه شوند.	۴ الی ۸ سال دوره ابتدایی، ۸ الی ۴ سال دوره متوسطه، ۲ سال دوره کالج یا پیش‌دانشگاهی	۶ سال ابتدایی، ۶ سال دبیرستان (دوره اول و دوم)	
بر عهده دولت آموزش ابتدایی اجباری و رایگان، آموزش متوسطه ۹۹ درصد رایگان	بر عهده دولت	بر عهده دولت ۹۹ درصد دانش‌آموزان ابتدایی در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند. (کاترین لوییس، ۱۳۸۵)	بر عهده دولت حدود ۹۰ درصد از دانش‌آموزان در مدارس عمومی (دولتی) تحصیل می‌کنند.	بر عهده دولت تقریباً ۸۸ درصد دانش‌آموزان ابتدایی و دوره ثانویه به مدارس دولتی می‌روند و بقیه مدارس خصوصی یا آموزش در خانه	بر عهده دولت	هزینه‌های آموزش
آماده‌سازی دانش‌آموزان برای روند جهانی‌سازی (مرکز مطالعات تیمز، ۲۰۰۷ به نقل از کریبی، ۱۳۸۷)	ارتقاء سطح فکری جامعه ترکیه از طریق بالا بردن پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس مکتب سکولاریسم و با تأکید بر اصول ملی و جمهوری (فلاح پور، مقایسه ۹۳ کشور)	پس از جنگ جهانی دوم: حقیقت‌طلبی و صلح‌جویی از سال ۲۰۰۵: انضباط، بهداشت، اطاعت، تعاون، همکاری جمعی، احترام به غرور ملی	فراهم نمودن فرصت‌های مناسب آموزشی برای کلیه افراد به منظور بهره‌مندی از زندگی پربار و مشارکت در جامعه رقابتی (دپارتمان آموزش، ۲۰۱۴)	عدالت، قانونمندی، دموکراسی، رقابت جهانی (مرکز مطالعات تیمز، ۲۰۰۷ به نقل از کریبی، ۱۳۸۷)	پیشرفت اخلاقی و اعتقادی - پرورش استعداد و خلایقت - سوادآموزی - آموزش مسائل بهداشت فردی و گروهی (سند تحول بنیادین آ.پ)	اهداف نظام آموزشی

### چگونگی تأمین منابع مالی آموزش و پرورش

با احتساب بیش از یک میلیارد و سی و سه میلیون کودک دبستانی (بیش از یک چهارم جمعیت جهان) نظام‌های آموزش و پرورش بخش بسیار مهمی از جامعه را در تمامی کشورها به خود اختصاص می‌دهند. یکی از مباحثی که در اقتصاد آموزش و پرورش مطرح می‌باشد مسئله چگونگی تأمین بودجه و منابع مالی آموزش و پرورش است که از طریق دولت یا بخش خصوصی انجام می‌گیرد.

براساس آمار یونسکو بین ۵۰ تا ۸۷ درصد منابع مالی به ویژه در سطح ابتدایی از طریق دولت‌ها و الباقی به صورت شهریه، مالیات، از طریق اولیا، جوامع محلی، بنگاه‌های اقتصادی و تجاری و یا درآمدزا بودن مدارس از طریق مشارکت دانش‌آموزان در تولیدات و ارائه خدمات و نیروی کار آنان تأمین می‌گردد که در کشورهای مختلف جهان، شیوه‌های مختلف و متفاوت اعمال می‌شود. چگونگی تأمین منابع مالی آموزش و پرورش بستگی به نگرش مردم و دولت، فرهنگ‌سازی، تصویب قوانین و به اجرا گذاشتن آنها دارد.

جدول (۲) - چگونگی تأمین منابع مالی آموزش و پرورش

ایران	آمریکا	انگلستان	ژاپن	ترکیه	کره جنوبی
هزینه‌های دولتی ۶۱ هزار میلیارد ریال	در کل ۹۳ درصد هزینه‌های مدارس توسط شهرداریها و درآمد حاصله از تولیدات و ارائه خدمات دانش‌آموزان از طریق ایالات و ساعات محلی برنامه ریزی و تأمین می‌گردد. (دفتر فرصت	تأمین از محل بودجه دوایر محلی و مرکزی آموزش هزینه‌های آموزشی هریک از دوایر آموزش و پرورش و هیئت‌های مدیره بخش مراکز آموزش انگلستان نیز از محل بودجه اعطایی	تأمین درصد بالایی از هزینه‌های آموزشی مدارس توسط نهادهای دولتی و محلی و توسط والدین دانش‌آموزان هزینه آموزش در تمام مدارس روستاها و شهرها	دولت مرکزی تمام سطوح آموزش عمومی را مورد حمایت خود قرار می‌دهد. مشارکت مردمی، بازار بورس استانبول و اتحادیه بورس ترکیه و بنگاه‌های خیریه مدارس غیردولتی و	در سال ۱۹۸۲ جمهوری کره مالیات آموزش ۵ ساله را بر فروش تنباکو و بر درآمد حاصل از دارایی و سود سهام اعمال نمود. تا سال ۱۹۸۷ این مالیات ۱۵ درصد از هزینه آموزش و پرورش را تأمین نمود. ۸۵ درصد

ایران	آمریکا	انگلستان	ژاپن	تورکیه	کره جنوبی
۳ هزار میلیارد ریال جذب از طریق شوراهای آموزش و پرورش	آموزشی در ایالات متحده <sup>۱</sup>	قسمت‌های آموزش و مالیات‌های مازوده از تأمین اعتبار می‌گردد (نظام‌های آموزش کشورهای جهان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی)	یکسان است. (الماسی، ۱۳۸۹) تأمین ۳۰ درصد هزینه مدارس توسط دولت، ۴۴ درصد توسط استانداری‌ها و ۲۶ درصد توسط شهرداری‌ها (نظام‌های آموزش کشورهای جهان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی)	آزاد با جذب ۲۰ درصد از کل پرداختی‌های دولت به بخش آموزش ۳۰ درصد از کل دانش‌آموزان کشور را در خود جای داده‌اند.	الباقی از طریق مساعدت‌های دولت و شرکتها و کارخانجات و اولیای دانش‌آموزان تأمین می‌گردد.

### سرانه دانش‌آموز یا سرانه آموزشی

سرانه دانش‌آموزی مجموع کل مبالغی است که دولت در طول یک سال، برای یک نفر دانش‌آموز هزینه می‌کند. این هزینه‌ها شامل حقوق کادر آموزشی، هزینه احداث و تجهیز مدارس و تمامی امور مربوط به اداره مدارس می‌باشد (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه آموزشی<sup>۲</sup>).

سرانه آموزشی از تقسیم بودجه آموزش و پرورش بر تعداد دانش‌آموزان حاصل می‌شود. به عبارت دیگر سرانه آموزشی نشان می‌دهد که به طور میانگین در یک سال (یا دوره معین) برای آموزش و تحصیل هر دانش‌آموز چقدر هزینه شده است (کتاب ۷۰ شاخص آموزشی در ۲۰ کشور جهان به نقل از موسسه آمار یونسکو).

۱ - Office of Economic Opportunity (OEO)

۲ - Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

جدول (۳): مقایسه سرانه دانش‌آموزی ایران و کشورهای منتخب

ایران	آمریکا	فرانسه	ترکیه	ژاپن	کره جنوبی
میانگین ۵ سال اخیر کمتر از ۷۴۰ دلار (هر دانش‌آموز ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان)	در سال ۲۰۱۴ هر دانش‌آموز مقطع ابتدایی ۱۱ هزار دلار و برای هر دانش‌آموز مقطع متوسطه، ۱۲ هزار و ۵۰۰ دلار	در سال ۲۰۱۴ سرانه‌ی هر دانش‌آموز حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ دلار	در سال ۲۰۱۲ سرانه‌ی هر دانش‌آموز ۱۸۰۰ دلار	در سال ۲۰۱۴ سرانه‌ی هر دانش‌آموز ۱۹۵۹۵ دلار	در سال ۲۰۱۴ سرانه‌ی هر دانش‌آموز ۷۰۰۰ دلار

منبع: (کمیسون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه آموزشی)

البته لازم به توضیح است که مبلغ سرانه آموزشی، لزوماً مبلغی نیست که به طور مستقیم برای دانش‌آموز هزینه می‌شود و بخش اعظمی از سرانه آموزشی به حقوق و دستمزد کادر آموزشی برمی‌گردد که با توجه به وجود تفاوت در سیستم پرداخت کشورهای مختلف، کار مقایسه را مشکل می‌کند. به عنوان مثال حقوق یک معلم آمریکایی در بدو استخدام، با توجه به ایالت محل سکونت و مقطع تحصیلی، به طور متوسط ۳۵ هزار دلار در سال می‌باشد (حدوداً ماهی ۳ هزار دلار).

### مقایسه بودجه آموزش و پرورش

جدول (۴) - مقایسه بودجه آموزش و پرورش ایران و کشورهای منتخب

ایران	آمریکا	فرانسه	ترکیه	ژاپن	کره جنوبی
در سال ۱۳۹۳ ۲۰ هزار میلیارد تومان معادل حدود ۷/۶ میلیارد دلار	در سال ۲۰۱۴ ۱۱۵ میلیارد دلار	در سال ۲۰۱۴ ۸۸/۵ میلیارد دلار	در سال ۲۰۱۴ ۲۲/۲ میلیارد دلار	در سال ۲۰۱۴ ۱۶۵ میلیارد دلار	در سال ۲۰۱۴ ۷۴/۸ میلیارد دلار
میانگین بودجه آموزش در ۵ سال اخیر حدود ۸/۶ درصد از بودجه کل	۶/۵ درصد از کل بودجه	۶ درصد از کل بودجه	۹/۳ درصد از کل بودجه	معادل تقریبی ۸/۳ درصد از کل بودجه	معادل تقریبی ۲۲ درصد از کل بودجه

منبع: (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه آموزشی)

لازم به ذکر است در برخی از کشورهای مذکور به موازات اختصاص این مقدار هنگفت بودجه از جانب دولت، بخش غیردولتی نیز توانسته نقشی عمده در پیشبرد هرچه بهتر امور آموزشی و تجهیز امکانات مدارس ابتدایی و متوسطه، ایفا نماید. به طور مثال در آمریکا سهم شهرداری‌ها به نسبت سایر بخش‌های غیردولتی چشم‌گیرتر و پررنگ‌تر می‌باشد. جدا از توجهات خاص دولتی و غیردولتی به مدارس، در ایالات متحده خود مدارس نیز دارای تشکیلات و مراکز اقتصادی سودآوری می‌باشند. از یک طرف دانش‌آموزان موظفند ساعاتی از حضور خود در مدرسه را به کار در رستوران، کارگاه چوب و کتابخانه (که همگی متعلق به همان مدرسه هستند) بگذرانند و از دیگر سو، اغلب مدارس دارای هتل، سالن آرایش، خدمات توزیع مواد غذایی و تعاونی‌های آموزشی بوده که سود حاصل از همه این موارد، مستقیماً در اداره مدرسه هزینه می‌شود.

و یا در فرانسه، بودجه‌ای که از طرف دولت برای آموزش و پرورش در نظر گرفته شده، تقریباً ۷۰ درصد از منابع مورد نیاز در این حیطه را تأمین می‌نماید و مابقی منابع و هزینه‌ها، از سوی شهرداری‌ها و بنگاه‌های محلی، فروش تولیدات کارگاهی مدارس و درآمدهای حاصل از قراردادهای فصلی مدارس با مراکز کارآموزی حرفه‌ای حاصل می‌شود. در این جا نیز، باز هم شهرداری‌ها نقشی مهم و غیرقابل انکار دارند. در فرانسه شهرداری‌های محلی موظفند برای هر دانش‌آموز یک کارت شناسایی مخصوص صادر کنند که دانش‌آموزان با ارائه این کارت‌ها، در مراجعه به موزه‌ها، باغ وحش‌ها و مراکز هنری و نیز خرید نوشت‌افزار از تخفیف‌های ویژه و گاه صد درصدی برخوردار می‌شوند. همچنین شرکت‌ها و کارخانجات بزرگ صنعتی در فرانسه، موظفند بر اساس قانون، سالانه درصدی از درآمدهای خود را در عرصه آموزش و تجهیز مدارس به کار گیرند.

### مقایسه بودجه آموزش و پرورش نسبت به درآمد سرانه داخلی

کشورهای ثروتمند به ندرت کمتر از ۴ درصد تولید ناخالص ملی را برای آموزش عمومی صرف می‌کنند. در کشورهایی که توسعه انسانی بالایی دارند، هزینه متوسطی که برای آموزش عمومی صرف می‌شود ۴/۸ درصد GDP است. در کشورهایی که توسعه انسانی متوسطی دارند، ۴/۲ درصد و در کشورهایی که توسعه انسانی پایینی دارند، ۲/۸ درصد است.

زمانی که برای صرف هزینه، به مواردی غیر از آموزش و بهداشت اهمیت بیشتری داده می‌شود،

هزینه اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود. اما کشورهای در حال توسعه چه کاری می‌توانند انجام دهند تا مخارج بیشتری را برای آموزش، به ویژه آموزش پایه اختصاص دهند؟ متوقف ساختن مخارج برای اولویت‌های دیگر (از جمله مخارج نظامی) یکی از راه‌های آن است. کشورهایی که در زمینه آموزش، مجریان توانایی هستند در مقایسه با کشورهایی که مجریان ضعیفی هستند منابع بیشتری را به آموزش مخصوصاً آموزش ابتدایی اختصاص می‌دهند (گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳).

گزارش رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۴-۲۰۱۳) می‌گوید کاستی در حوزه آموزش ابتدایی، امکان تولید محصولات پیشرفته و دارای ارزش بیشتر را برای بنگاه‌ها کم‌رنج می‌سازد و مانع رشد و توسعه آنها می‌گردد. علیرغم نیاز به کاهش بدهی‌های دولت از طریق کاستن از بودجه دولت در بسیاری از زمینه‌ها، به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت این رکن نباید در بلندمدت کاهش قابل ملاحظه‌ای در تخصیص منابع به این حوزه صورت گیرد.

جدول (۵) - مقایسه بودجه آموزش و پرورش (سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹)  
نسبت به درآمد سرانه داخلی

کشور	درصد بودجه آموزش و پرورش به GDP
سوئد	۶.۶
فرانسه	۵.۶
انگلستان	۵.۵
آمریکا	۵.۵
کره جنوبی	۵.۰
کانادا	۴.۹
ایران	۴.۷

کشور	درصد بودجه آموزش و پرورش به GDP
آلمان	۴.۵
ژاپن	۳.۵
ترکیه	۲.۶

منابع: (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه آموزشی، گزارش بانک جهانی)

### مقایسه متوسط سال‌های تحصیلی بزرگسالان

#### جدول (۶) - مقایسه متوسط سال‌های تحصیلی بزرگسالان

ایران	ترکیه	چین	مانزی	برزیل	کره جنوبی
۷۸	۶۵	۷۵	۹۵	۷۲	۱۱۶
روسیه	ژاپن	آلمان	آمریکا	کانادا	فرانسه
۱۱.۷	۱۱.۷	۱۲.۲	۱۲.۴	۱۱.۵	۱۰.۶

منبع: (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۲۰۱۲)

همانگونه که ملاحظه می‌شود، متوسط سال‌های تحصیلی در کشورهای توسعه یافته بالای ۱۰ سال است. ایران طبق آمار سازمان نهضت سوادآموزی رتبه ۱۱۱ را در میان کشورهای دنیا دارد که با توجه به رایگان بودن ۱۲ سال تحصیلی در مدارس بر اساس قانون اساسی، رقم بسیار پایینی است.

#### رابطه بین هزینه‌های آموزشی و رشد اقتصادی

پس از سه دهه گسترش سریع ثبت نام و صرف صدها میلیارد دلار هزینه آموزشی، به نظر می‌رسد که وضعیت توده مردم در کشورهای در حال توسعه (وضع شهروند میانه حال آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین) بهبود بسیار کمی یافته است. فقر مطلق و مزمن و گسترده، شکاف

بین فقیر و غنی هر سال بیشتر می‌شود. بیکاری و کم کاری به میزان گیج کننده‌ای رسیده و تحصیل کرده‌ها به نحو فزاینده‌ای بر صفوف بیکاران می‌افزایند به طوری که در جهان امروز اعتراض علیه آموزش رسمی در حال افزایش است.

پس بسیاری از ادعاهای پیشین درباره گسترش کمی فرصت‌های آموزشی که رشد اقتصادی را تسریع می‌کند، سطح زندگی را به ویژه برای فقرا بالا می‌برد، فرصت‌های گسترده و برابر اشتغال برای همه ایجاد می‌کند، گروه‌های نژادی و قبیله‌ای را فرهنگ‌پذیر می‌کند و طرز تلقی‌های نو را تشویق می‌کند، بسیار اغراق‌آمیز و در بسیاری از موارد غلط بوده است.

ساده‌اندیشانه است که منحصراً نظام رسمی آموزشی را مقصر تمام این مسائل بدانیم چرا که گسترش آموزش رسمی همیشه معادل با گسترش یادگیری و بهبود کارایی نیست. تحقیقات اخیر نشان داده است که بر خلاف آنچه شاید گمان شود، نظام‌های آموزشی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، گاهی در مسیر افزایش و نه کاهش نابرابری‌های درآمدی عمل می‌کنند (تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ۱۳۹۱).

### جمع بندی

- مطالعه نظام آموزش و پرورش هر کشور باید با توجه به مسائل مختلف آن کشور صورت گیرد و اگر قرار است کاری مانند مقایسه انجام شود و به نتیجه‌ای مانند الگوبرداری منجر گردد، بایستی همه جنبه‌های آن دو جامعه به خوبی شناخته شوند.
- یکی از یافته‌های مهم پژوهش‌های تطبیقی در آموزش و پرورش این است که نظام‌های آموزشی کشورها با تمامی اوضاع و احوال جامعه‌های خود (فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ...) در ارتباطی دو سویه و به طور کلی در یک مجموعه پیچیده از ارتباطات قرار دارد که مطالعه نظام‌های آموزشی آن جامعه را بدون مطالعه تک‌تک این زیرسیستم‌ها و نهادها از جمله خانواده و فرهنگ بی‌معنا می‌کند. از این رو نمی‌توان پیرامون مدرسه حصاری کشید تا دانش‌آموزان را جدا از متن جامعه تربیت کرد.



- سیستم آموزش و پرورش نمی‌تواند از کشوری به کشورها منتقل شود اما نظریات، تمرینات، ابزار و سایر شرایط می‌تواند ارتقاء یابد حتی در جایی که شرایط متفاوت است (دفتر بین‌المللی آموزش و پرورش<sup>۱</sup> یونسکو، ۲۰۰۱).
- هر نظام مهمی انوعی دارد که با تاریخ و خصوصیات محیطی که در آن رشد کرده‌اند مشخص می‌شود. هیچ نظام آموزشی به خودی خود کامل و بدون عیب و نقص نیست.
- آموزش و پرورش تطبیقی علمی است چند رشته‌ای. محقق آموزش و پرورش تطبیقی با این که لازم است در یک زمینه خاص مرتبط با موقعیت‌های تربیتی اطلاعات تخصصی داشته باشد اما باید از زمینه‌های دیگر نیز مطلع باشد. در واقع، این به ماهیت رویدادها و موقعیت‌های آموزشی مربوط می‌شود که به جهت پیچیدگی‌شان لازم است از ابعاد متفاوت ولی مکمل به آنها نگاه شود.
- با انجام چنین مطالعاتی سعی می‌شود آموزش و پرورش به عنوان سرمایه‌گذاری ملی پربرهه در بین دولتمردان و سیاست‌گذاران مطرح شود و به آموزش و پرورش از آن جهت که باعث رواج بازار علم می‌شود، اندوخته‌های علمی و فنی جامعه را بارور می‌سازد و در پرورش کارشناسان، مهندسان، کارکنان عالی رتبه اداری که وجود آنان در رشد اقتصادی بسیار مؤثر است، توجه بیشتری شود.
- آموزش و پرورش تطبیقی به بهبود نظام‌های آموزشی نیز کمک می‌کند. مسئولان نظام‌های آموزشی با شناخت وضعیت گذشته و موجود این نظام‌ها می‌توانند بهتر عمل کنند.

## منابع

- نقی‌زاده، محرم؛ اصفهانی، مهرداد (۱۳۹۴)، ۷۰ شاخص آموزشی در ۲۰ کشور جهان، چاپ مرکز نوآوری‌های آموزشی مرآت.
- آقازاده، احمد (۱۳۷۹)، آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: انتشارات سمت.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۳)، آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته صنعتی (آلمان و انگلستان)، انتشارات روان.

- الماسی، علی‌محمد (۱۳۸۹)، **آموزش و پرورش تطبیقی**، انتشارات رشد.
- تودارو، مایکل (۱۳۹۱)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه: غلامعلی فرجادی، نشر کوهسار.
- جونز، گزنت (۱۳۷۶)، **اقتصاد آموزش**، ترجمه مصطفی عمادزاده، اصفهان، نشر جهاد دانشگاهی اصفهان.
- حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۸۶)، نقش دولت در اقتصاد و توسعه؛ مطالعه تجربه ایران، **فصلنامه اقتصاد و جامعه**، شماره ۱۱.
- خلاصه گزارش رقابت پذیری جهانی ۲۰۱۴-۲۰۱۳. (۱۳۹۲). ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.
- ساخاروپولوس، جرج؛ وودهاال، مورین (۱۳۷۲)، **آموزش برای توسعه**، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، نشر: سازمان برنامه و بودجه.
- فلاح‌پور، رضا (۱۳۸۷)، **ساختار آموزش و پرورش تا آموزش عالی ۹۳ کشور جهان**، چاپ: وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۷)، **گزارش اجمالی مهمترین یافته‌های ملی و بین‌المللی تیمز ۲۰۰۷ در مقایسه با تیمز ۹۵، ۹۹، ۲۰۰۳**، تهران، مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز.
- کوی، لوتان (۱۳۷۵)، **آموزش و پرورش تطبیقی**، ترجمه محمد یمنی، تهران: نشر سمت.
- گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳، معاونت بررسی و نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۲).
- گزارش کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، پایگاه جامع اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۵):  
[www.medu.ir/portal/home.php?ocode=100010876&block=news&id=126866](http://www.medu.ir/portal/home.php?ocode=100010876&block=news&id=126866)
- گیلیس، مالکوم؛ پرکینز، دوایت اچ؛ رومر، مایکل؛ اسنودگراس، داندل آر. (۱۳۷۹)، **اقتصاد توسعه**، ترجمه غلامرضا آزاد، نشر نی.
- لویس، کاترین (۱۳۸۵)، **آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها**، ترجمه حسین افشین منش و شیده ایلگی طاهر، نشر ساز و کار.
- ملکی، صفی‌الله (۱۳۸۵)، **مقایسه تطبیقی منابع مالی آموزش و پرورش ایران با ۱۳ کشور جهان**، روزنامه رسالت، شماره ۶۰۸۸ تاریخ ۸۵/۱۱/۳۰.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۵)، **نظام‌های آموزش کشورهای جهان**.
- وایت، مری (۱۳۸۸)، **مطالبات آموزشی در ژاپن (احساس تعهد به کودکان)**، ترجمه مارینا فرهودی‌زاده، تهران: نشر رسا.

- Becker, G.S. (2002). '*The Age of Human Capital*'. Education in the Twenty-First Century. Retrieved from the World Wide Web: <http://economics.dlut.edu.cn/uploadfiles/20081106200614853.pdf>,
- Department for Education: [www.gov.uk/government/organisations/departement-for-education](http://www.gov.uk/government/organisations/departement-for-education).
- Kuznets, Simon. (1971). *Economic Growth of Nations: Total Output and Production Structure*, Cambridge, Mass. , Belknap Press of Harvard University Press accessed 11 August 2010.
- OECD, *The Knowledge Based Economy*, Paris :OECD, (1996) [www.oecd.org](http://www.oecd.org)
- Office of Economic Opportunity: [www.oeo.sc.gov](http://www.oeo.sc.gov)
- Todaro, M, and Smith S (2009), *Economic Development* (11th ed); Addison-Wesley, London, – Chapter 1 – Economics, Institutions, and Development: A Global Perspective; Chapter 2 – Diverse Structures and Common Characteristics of Developing Nations (or equivalent chapters in eighth edition)
- [Www.undp.org](http://www.undp.org)
- UNESCO: international bureau of education, 2001 [unesdoc.unesco.org/images/0013/001319/131905e.pdf](http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001319/131905e.pdf)
- World Development Report 1999: [http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/1999/06/04/000094946\\_99042010290379/Rendered/PDF/multi0page.pdf](http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/1999/06/04/000094946_99042010290379/Rendered/PDF/multi0page.pdf)
- [www.en.unesco.org/themes/education-21st-century](http://www.en.unesco.org/themes/education-21st-century)
- [www.hdr.undp.org/en/humandev](http://www.hdr.undp.org/en/humandev) : History of the Human Development Report».
- [www.worldbank.com](http://www.worldbank.com)
- <https://en.unesco.org/themes/education-21st-century>